

# بچه‌ها هم باید «رضا» باشند

O انسیه موسویان



عنوان کتاب: یاس نجمه  
شاعر: حمید هنرجو  
تصویرگر: رویا بیژنی  
ناشر: به نشر - انتشارات آستان قدس رضوی  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۲۳ صفحه  
بها: ۴۵۰ تومان

برای مخاطب به تصویر بکشند و با از دریچه‌ای دیگر و با نگاهی نو و خلاقانه، به بیان و توصیف زندگی و شخصیت پیشوایان دینی بپردازند و نگاهی تازه به مضامین مذهبی بیندازند.

در این میان، آن چه همیشه به عنوان یک اصل مهم باید مورد توجه قرار بگیرد، «شعریت» این گونه سروده‌هاست. شعری که با مضامین دینی و مذهبی سروده می‌شود، در درجه اول و قبل از هر چیز باید از یک جوهره شعری غنی سرشار باشد تا بتواند به شیوه غیرمستقیم و کاملاً هنرمندانه، بر ذهن و روح مخاطب تأثیر بگذارد و باورهای دینی او را تقویت کند. در غیر این صورت، دیگر چه نیازی به سرودن شعر مذهبی است؟ در آن هم جایی که این تعداد کتاب دینی، با موضوع‌های مختلف و حاوی پیام‌های آموزشی و اخلاقی در دسترس است!

با این مقدمه، به سراغ شعرهای مجموعه «یاس نجمه»، سروده حمید هنرجو می‌رویم. هنرجو در کتاب «یاس نجمه»، «هشت قدم کوتاه برداشته به خانه نور و دوستی؛ خانه‌ای که بوی روشنی دارد.»<sup>۱</sup> او این شعرها را تماماً برای پیشوای هشتم ما شیعیان، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) سروده است و تلاش کرده تا به سراغ سوره‌های متعدد برود.

اغلب کودکان و نوجوانان ما، تجربه سفر به مشهد مقدس و زیارت بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) را کسب کرده‌اند و با آن قدر این جا و آن جا خوانده و

او مثل غنچه در باغ نماز بود!

جعفر ابراهیمی<sup>۱</sup>

بود پاکیزه و خوب  
مثل گل، چون باران  
می‌رسید از نفسش  
عطر و بوی قرآن  
همه را سوی خدا  
او هدایت می‌کرد  
از خدا، پیغمبر  
او حکایت می‌کرد...

جعفر ابراهیمی<sup>۲</sup>

در مورد برخی از موضوع‌ها نیز عموماً با مجموعه‌ای از اصطلاحات و ترکیبات خاص رو به رو هستیم که در بیشتر شعرها تکرار می‌شوند. مثلاً در مورد امام علی (ع)، کلمات نخلستان، یتیم، نان و خرما، چاه و... و یا در مورد نماز و قرآن و... کلمات سجاده، گلدسته، جانماز، محراب، چادر و... همواره در شعرها حضور دارند.

شاعران کمتر تلاش کرده‌اند تا جلوه‌های ناشناخته و زوایای پنهان زندگی آن بزرگواران را

سرودن شعر با مضامین مذهبی، برای کودکان و نوجوانان، همواره از جمله موضوع‌های مورد علاقه، اما دشوار در شعر کودک و نوجوان بوده است و تاکنون بسیاری از شاعران تلاش کرده‌اند با توجه به باورها و پشتوانه‌های مذهبی، برای این طیف از مخاطبان بسرایند که حاصل کار، اغلب شعرهایی است که از بسیاری جهات شبیه یکدیگرند.

به عنوان مثال، در اکثر شعرهایی که برای ائمه اطهار سروده می‌شود، با مجموعه‌ای از توصیف‌های کلی، ترکیبات و تشبیهات شبیه هم و تکرار رو به رو هستیم؛ به گونه‌ای که شعری را که برای میلاد یا وفات یکی از ائمه سروده می‌شود، می‌توان به سایر امامان نیز تعمیم داد و یا هنگامی که ذکر صفات و خلق و خو و شخصیت والای ائمه اطهار است، باز با همان ترکیب‌ها و توصیف‌های تکراری مواجه می‌شویم. کمتر شعری می‌توان یافت که وجه تمایز و تشخیصی نسبت به سایر سروده‌ها داشته باشد. به عنوان مثال، ابیات ذیل را مرور می‌کنیم:

در سجده می‌گریست  
ذکرش «خدا خدا»  
در سینه داشت او  
قلبی پر از دعا!  
همواره در رکوع  
همواره در سجود!

شنیده‌اند که ذهن و دل‌شان از این حضور معنوی سرشار است و طبیعتاً با شعرهایی که درباره شخصیت امام رضا (ع) و زیارت و مسایل مربوط به آن می‌شود، راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنند و تصاویر آن‌ها برای‌شان قابل لمس‌تر و آشنا تر است.

هنرجو در این کتاب، شعرهایش را با ولادت آغاز می‌کند و مخاطب را با خود به کوچه‌های بارانی شهر مدینه و بی‌قراری‌های نجمه در شب میلاد امام رضا (ع) می‌برد:

در کوچه‌ها باران می‌آمد  
شهر مدینه بوی گل داشت  
انگار دست یک فرشته  
در شهر بذر نور می‌کاشت

شب بود و نجمه در اتاقش  
دلواپس یک آمدن بود  
در سینه‌اش یک قلب کوچک  
در انتظار پر زدن بود...  
«شعر هدیه خدا ص ۵»

و آن گاه با روایت سفر به مشهد و توصیف حس و حال کودکی که همراه مادرش به زیارت رفته است، شعرها را ادامه می‌دهد. او سعی می‌کند به همه جا سر بکشد و با مخاطب، از هر چیزی که به نوعی به آن امام بزرگوار ارتباط پیدا می‌کند، سخن بگوید. گاه حس کودکی را هنگام زیارت بیان می‌کند، گاه به سراغ خادم پیر حرم با چهره خسته اما نورانی‌اش می‌رود و گاهی نیز از سوغاتی‌هایی می‌گوید که پدر خانواده از مأموریت مشهد آورده است. علی‌رغم تلاش ارزشمند شاعر برای بیان سوژه‌های نو و متفاوت، باز هم به ورطه تکرار افتاده است.

تقریباً نیمی از شعرهای این کتاب، به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم بیانگر یک موضوعند و آن «زیارت» است و به جرأت می‌توان گفت که جای خالی برخی از موضوع‌های مرتبط با امام رضا (ع) در این کتاب احساس می‌شود. برای نمونه، موضوعی مثل داستان ضامن آهو که قابلیت زیادی برای روایت دارد یا موضوع‌هایی نظیر نذر، شفا و...

به هر تقدیر، می‌توان نتیجه گرفت که در شعر مذهبی برای کودکان هم می‌توان از تکرار پرهیز کرد و به سراغ سوژه‌های نو رفت.

نکته دیگر این که قالب شعرهای «یاس نجمه» چارپاره است؛ به استثنای یک مثنوی با نام «با پروانه‌ها» که اتفاقاً به سبب کوتاهی، زبان ساده و روان و وزن مناسب شاید بتوان آن را یکی از شعرهای خوب این مجموعه دانست و در این حکم و اصل کلی که قالب مناسب برای شعر کودک و نوجوان «چارپاره» است، تجدید نظر کرد و در سایر قالب‌ها مثل مثنوی یا نیمایی و... هم شعرهای

هنرجو در کتاب «یاس نجمه»، «هشت قدم کوتاه برداشته به خانه نور و دوستی؛ خانه‌ای که بوی روشنی دارد.» او این شعرها را تماماً برای پیشوای هشتم ما شیعیان، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) سروده است و تلاش کرده تا به سراغ سوژه‌های متعدد برود



خوب و ماندنی و تأثیرگذار سرود.

ابیاتی از این مثنوی را مرور می‌کنیم:

تو را، هم می‌شود توی حرم دید

و هم در اشک‌های مادرم دید

تو پایانی برای غصه‌هایی

امام خوب ما یعنی رضایی

امید غنچه‌های خسته هستی

بهاری پرگل و پیوسته هستی...

دل من با تو خیلی حرف دارد

اگر که ابر چشمانم نیارد...

«شعر با پروانه‌ها ص ۱۴»

زبان شعری هنرجو در این مجموعه، زبانی

ساده و روان و یکدست و بافت جمله‌ها صحیح و به

دور از تکلف است که آن را برای گروه سنی «ب» و

«ج» مناسب می‌کند.

شاعر کلمات را پس و پیش نکرده و ساختار

جمله را برای جور شدن وزن و قافیه، به هم نریخته

است. قافیه و وزن در بسیاری از ابیات طبیعی و به

دور از تکلف به نظر می‌رسند؛ گویی شاعر مقابل

مخاطب نشسته است و با او گفت و گو می‌کند. شاعر

در این گفت و گوی ساده و بی‌ریا اما شاعرانه، گاه

خاطره‌ای هم برای مخاطب تعریف می‌کند:

ما یک شبانه روز است

مهمان جاده هستیم

از اصفهان می‌آییم

یک خانواده هستیم

رنگین کمان شادی است

در چشم‌های مادر

حال پدر عجیب است

شاید شده کبوتر

می‌بینم از همین جا

آن گنبد طلا را

حس می‌کنم دوباره

عطر فرشته‌ها را

«شعر مهمان ص ۶»

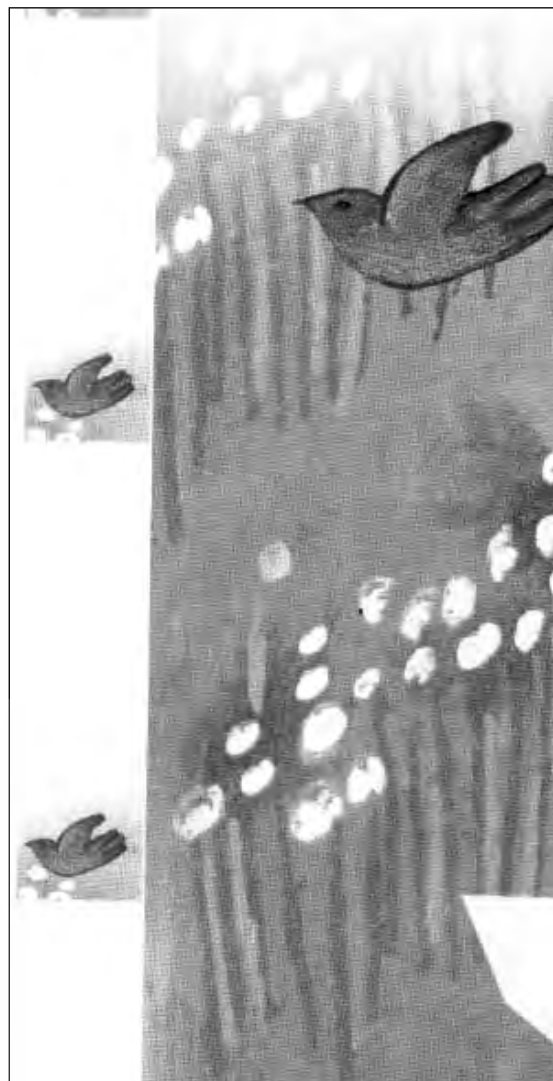
متأسفانه در شعرهای این کتاب، تنها به یکی دو

نمونه تشبیه نو و زیبا برمی‌خوریم:

آسمان، گلدسته، حوض

بازی نور و حجاب

سینه ریزی نقره‌ای



عطر قرآن می دهد  
«شعر روسری ص ۱۳»

در شعر «خادم پیر» در چند بند، با توصیف‌های کلی و کلیشه‌ای رو به روییم که در صورت آن‌ها، هیچ لطمه‌ای به شعر وارد نمی‌شود:

نذر کرده سال‌ها  
خادم آقا شود  
چشمه ایمان او  
عاقبت دریا شود

در نگاهش می توان  
دوستی را خوب دید  
از صدای ساده‌اش  
مهربانی را شنید

«شعر خادم پیر ص ۱۸»

در شعر «مهمان کوچک» نیز جز یکی دو بند، بقیه ابیات حرف تازه‌ای برای گفتن ندارند و هر چه هست، به نوعی در سایر شعرهای مجموعه گفته شده است.

در این جا خوب است به چند مورد کم دقتی شاعر نیز اشاره کنیم که از صمیمیت و روانی برخی شعرها کاسته است؛ مانند این بیت که جمله روال طبیعی ندارد و اجزای آن کمی جا به جا شده است:

پدر مأموریت این بار  
سه روزی شهر مشهد بود  
«شعر پدر ص ۲۳»

در شعر یادگار حرم در این بند:

یادگار مشهد است  
روسری مادرم  
راستش امروز هم  
کرده‌ام آن را سرم

کلمه «روسری» باید به ضرورت وزن، همراه با تشدید خوانده شود که از صمیمیت و روانی آن می‌کاهد.

در شعر «زائر کوچک»، مشخص نیست شاعر چه اصراری داشته که اسم «پریا» را برای کودک مورد نظر در شعر انتخاب کند. این کلمه در برخی بیت‌ها، از نظر تلفظ ایجاد مشکل می‌کند. در حالی که شاعر می‌توانست به راحتی، با اسم‌های دیگری مثل «زهرا»، «سارا»، «رویا» و... این مشکل ساده را مرتفع سازد.

هم چنین، نمونه‌ای از حشو در ابیات ذیل مشاهده می‌شود:

دو چشم مهربانش را  
خودم از لای در دیدم  
چراغ خانه روشن شد  
من او را خوب بوسیدم  
«شعر پدر ص ۲۳»

کلمات «خودم» و «خوب» کاملاً زائد هستند.

این مشکل در بیت دیگری نیز به چشم می‌خورد:  
در نگاهش می توان  
دوستی را خوب دید  
«شعر خادم پیر ص ۱۸»

اما تصاویر کتاب «یاس نجمه»، اغلب خیال‌انگیز و زیبا هستند؛ به ویژه تلفیق عکس و نقاشی (خیال و واقعیت) در برخی صفحات، زیبایی خاصی به آن تصاویر بخشیده است؛ آن جا که گندم حرم، به عنوان مرکز ثقل و توجه شعر، به صورت عکس انتخاب و با نقاشی‌های خیال‌انگیز تلفیق شده است.

از طرفی در زمینه سفیدخوانی، کتاب مشکل دارد. استفاده از خرده تصاویر، در حاشیه صفحات (تصاویر کوچک برگرفته از تصویر اصلی هر صفحه که در حاشیه تکرار شده؛ مثل گلدان، کبوتر، غنچه، درخت و محراب)، کمی فضای صفحه را دچار ازدحام و شلوغی کرده است.

این نوشته را با شعر «کبوتر» به پایان می‌برم که به دلیل ایجاز زیبا، وزن کوتاه و ریتم شاد و ساده و توصیف‌های خوب و خیال‌انگیزش و پایان‌بندی زیبا، یکی از بهترین شعرهای این مجموعه است. شاعر با این سروده، دست مخاطب را می‌گیرد و همراه خود، به فضای ملکوتی و معنوی حرم می‌برد:

وقتی که می‌روم  
با مادرم حرم  
احساس می‌کنم  
من هم کبوترم

جای دو دست من  
دیگر دو تا پر است  
انگار اسم من  
دیگر کبوتر است

یک حوض آفتاب  
یک گنبد طلا  
پیچیده توی صحن  
عطر فرشته‌ها

با این که دست من  
در دست مادر است  
اما وجود من  
یک جای دیگر است...

#### پی‌نوشت

- ۱- شعر، «باغ نماز»، از کتاب «تو بوی سیب می‌دهی»، سروده جعفر ابراهیمی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲- شعر «آزادی»، از کتاب «تو بوی سیب می‌دهی»، سروده جعفر ابراهیمی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۳- اشاره به یادداشت شاعر در صفحه آغازین کتاب.

نقش بسته روی آب

«شعر مهمان کوچک ص ۲۰»

شهری از آینه است

قلب پاک پیر مرد

گرچه پیر است او ولی

خستگی را خسته کرد

«شعر خادم پیر ص ۱۸»

در بسیاری از بیت‌ها با توصیف‌ها و تشبیه‌هایی تکراری مواجه می‌شویم که از قوت شعرها می‌کاهد؛ مثل ترکیب‌های «بدر نور»، «عطر قرآن»، «عطر فرشته» و...

و صفت‌های کلی مانند «خوب و زیبا» در این بندها:

صورت‌م با روسری

خوب و زیبا می‌شود

یا به قول مادرم

مثل گل‌ها می‌شود

غنچه‌های روسری

بوی باران می‌دهد

بوی گل بوی دعا